



گفتارهای

منصور هاشمی خراسانی

کد گفتار: ۱۱۷

عقاید

**شناخت خلیفه‌ی خداوند در زمین
نشانه‌های ظهور مهدی و فتنه‌های آخر الزمان**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهارده گفتار از آن جناب درباره‌ی دجال

۱ . أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ الْمَنْصُورِ الْهَاشِمِيِّ الْخُرَاسَانِيِّ فَأَقْبَلَ عَلَيْنَا وَ قَالَ: إِنَّ الدَّجَالَ يَأْتِيكُمْ مِنْ هَاهُنَا - وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْمَغْرِبِ - فَيَقُولُ: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» وَ يَكْذِبُ لِأَنَّهُ أَعْوَرُ وَ إِنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِأَعْوَرَ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ: كَافِرًا!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن محمد بلخی ما را خبر داد، گفت: نزد منصور هاشمی خراسانی بودیم، پس به ما روی نمود و فرمود: دجال از آن سو به نزدتان می‌آید - و با دستش به سوی غرب اشاره کرد - پس می‌گوید: «من پروردگار برترتان هستم» (نازعات / ۲۴)، در حالی که دروغ می‌گوید؛ چراکه او یک چشم است و پروردگارتان یک چشم نیست، بر پیشانی‌اش نوشته شده است: کافر!

۲ . أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّ الدَّجَالَ يُعَارِضُ الرَّبَّ فِي عِلْمِهِ وَ قُدْرَتِهِ وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ مِنَ الدُّبَابِ فَيَقُولُ: «أَنَا أَحْيَى وَأُمَيَّتٌ» وَ يَقُولُ: «سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ» وَ يَقُولُ: «إِنَّمَا أُوتِيْتَهُ عَلَيَّ عِلْمٍ عِنْدِي»! أَوْلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مَنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا؟! أَلَا إِنَّ الدَّجَالَ كَافِرٌ بِرَبِّهِ! أَلَا إِنَّ الدَّجَالَ شَيْطَانٌ مَرِيدٌ! «كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَانَّهُ يُضِلُّهُ وَ يَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ»!

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن عبد الرحمن هروی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: هرآینه دجال با پروردگار در علم و قدرت او معارضا می‌کند، در حالی که نزد او از مگس ناچیزتر است! پس می‌گوید: «من هم زنده می‌کنم و می‌میرانم» (بقره / ۲۵۸) و می‌گوید: «مانند چیزی که خداوند نازل کرد را نازل خواهیم کرد» (أنعام / ۹۳) و می‌گوید: «آن را تنها با علمی نزد خودم به دست آورده‌ام» (قصص / ۷۸)! آیا ندانست که خداوند پیش از او قرن‌هایی را نابود کرد که از او نیرومندتر بودند و جمعیت بیشتری داشتند؟! آگاه باشید که دجال به پروردگار خود کافر است! آگاه باشید که دجال شیطانی سرکش است! «بر او نوشته شده است که هر کس ولایتش را بپذیرد هرآینه او گمراهش می‌کند و به آتش سوزان رهنمونش می‌سازد» (حج / ۴)!

۳ . أَخْبَرَنَا وَليدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّجِسْتَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّ الدَّجَالَ يَنْظُرُ بِعَيْنِ



وَاحِدَةً فَيَرَى الدُّنْيَا وَ لَا يَرَى الآخِرَةَ وَ إِنَّهُ يَأْتِي النَّاسَ وَ فِي كَفِّهِ الُّيْمْنَى جَنَّةً وَ فِي كَفِّهِ الْبُسْرَى نَارٌ فَمَنْ آمَنَ بِهِ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَ مَنْ كَفَرَ بِهِ دَخَلَ نَارَهُ وَ إِنَّ جَنَّتَهُ نَارٌ وَ إِنَّ نَارَهُ جَنَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَدْخُلُوا جَنَّةَ الدَّجَالِ!

ترجمه‌ی گفتار:

ولید بن محمود سجستانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: دجال با یک چشم می‌نگرد، پس دنیا را می‌بیند و آخرت را نمی‌بیند و در حالی به نزد مردم می‌آید که در کف دست راستش بهشتی و در کف دست چپش دوزخی دارد، پس هر کس به او ایمان آورد به بهشت او داخل می‌شود و هر کس به او کافر شود به دوزخ او داخل می‌شود، در حالی که بهشت او دوزخ و دوزخ او بهشت است، پس از خداوند بترسید و به بهشت دجال داخل نشوید!

۴ . أَخْبَرَنَا جُبَيْرُ بْنُ عَطَاءٍ الْخُجَنْدِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: مَا مِنْ نَبِيٍّ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا أَنْذَرُ أُمَّتَهُ الْمَسِيحَ الدَّجَالَ وَ إِنَّ نَبِيَّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَنْذَرَكُمْ بِهِ وَ قَالَ: إِنَّهُ أَعْوَرٌ وَ إِنَّهُ يَجِيءُ بِمِثْلِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ إِنِّي أُبَيِّنُكُمْ بِاسْمِهِ لِتَعْرِفُوهُ اسْمُهُ: الْحَدَائِثُ بْنُ إِبْلِيسَ!

ترجمه‌ی گفتار:

جُبَيْر بن عطاء خُجندی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: هیچ پیامبری از بعد نوح علیه السلام نبود مگر اینکه امتش را از مسیح دجال بیم داد و هرآینه پیامبر شما صلی الله علیه و آله و سلم نیز شما را از او بیم داد و فرمود که او یک چشم است و او با مانند بهشت و دوزخ می‌آید و هرآینه من شما را از نام او آگاه می‌کنم تا او را بشناسید، نام او مدرنیته پسر ابلیس است!

۵ . أَخْبَرَنَا ذَاكِرُ بْنُ مَعْرُوفٍ الْخُرَاسَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّ الدَّجَالَ ذُو عَيْنٍ وَاحِدَةٍ يَنْظُرُ بِهَا إِلَى مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا لَا يَكَادُ يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ يَرْعُمُ النَّاسُ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَيُحْيِي الْمَوْتَى وَ يُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ وَ يُنْبِئُ بِمَا فِي الْأَرْحَامِ وَ يُنْزِلُ الْعَيْثَ وَ يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَ يَعْرُجُ فِي السَّمَاءِ وَ يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَ يَخْلُقُ الْإِنْسَانَ فِي قَارُورَةٍ كَمَا يَخْلُقُهُ اللَّهُ فِي الْأَرْحَامِ وَ يَسِيرُ كَمَا يَسِيرُ الرِّيحُ الصَّرْصَرُ يَمْلِكُ الْمَالَ وَ الْمَكِينَةَ فَلَا يُعْطِيهِمَا إِلَّا مَنْ عَبَدَهُ وَ هُمْ الْيَهُودُ ثُمَّ النَّصَارَى ثُمَّ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَنْزِلُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ! فَسَكَتَ فَرَأَانَا نَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ كَأَنَّ عَلِيَّ رُؤُوسِنَا الطَّيْرَ فَقَالَ: أَنَا أُبَيِّنُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ إِنَّهُ الْحَدَائِثُ!

ترجمه‌ی گفتار:

ذاکر بن معروف خراسانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: هرآینه دجال دارای یک چشم است که با آن به مشرق‌ها و مغرب‌های زمین می‌نگرد و نزدیک است که چیزی



از آن پنهان نماند، مردم می‌پندارند که او بر هر کاری تواناست، پس مردگان را زنده می‌کند و نابینا و پیس را درمان می‌نماید و از چیزی که در رحمت‌هاست خبر می‌دهد و باران را نازل می‌کند و در زمین فرو می‌رود و به آسمان بالا می‌شود و گنج‌ها را بیرون می‌کشد و انسان را در یک شیشه می‌آفریند چونانکه خداوند در رحمت‌ها می‌آفریند و مانند تندباد حرکت می‌کند، ثروت و قدرت را تصاحب می‌نماید، پس آن دو را نمی‌دهد مگر به کسانی که او را می‌پرستند و آنان یهودی‌ها و سپس مسیحی‌ها و سپس کسانی از مسلمانان هستند که تابع آنانند، در بیت المقدس منزل می‌کند! پس آن جناب ساکت شد و ما را دید که (با تعجب) به او می‌نگریم چنانکه گویی بر سرهایمان پرده نشسته است، پس فرمود: من شما را از تأویل آن خبر می‌دهم؛ آن مدرنیته است!

۶ . أَخْبَرَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْخَتَلَانِيُّ، قَالَ: سَأَلَ الْمَنْصُورَ رَجُلٌ عَنِ الدَّجَالِ فَقَالَ: إِنَّهُ سَاحِرٌ يَهُودِيٌّ يَأْتِي مِنَ الْمَغْرِبِ يَقُولُ: إِنِّي مَسِيحٌ لَكُمْ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى وَأَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ فَيَسْحَرُ النَّاسَ فَيُؤْمِنُونَ بِهِ عَلَى خَوْفٍ وَطَمَعٍ إِلَّا عِصَابَةَ مِنْهُمْ فَيَأْتِي هَؤُلَاءِ الْعِصَابَةَ إِلَى رَجُلٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيُبَايِعُونَهُ فَيَخْرُجُونَ عَلَى الدَّجَالِ ثُمَّ لَا يَرَالُونَ يُقَاتِلُونَهُ حَتَّى يَنْزِلَ فِيهِمْ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ!

ترجمه‌ی گفتار:

یونس بن عبد الله ختلانی ما را خبر داد، گفت: مردی از منصور درباره‌ی دجال پرسید، پس فرمود: او جادوگری یهودی است که از غرب می‌آید، پس می‌گوید: من مسیح شما هستم، کور و پیس را شفا می‌دهم و مردگان را زنده می‌کنم و شما را از آسمان و زمین روزی می‌رسانم، پس مردم را مسحور می‌کند، پس به او از روی ترس و طمع ایمان می‌آورند، مگر گروهی از آنان، پس این گروه به نزد مردی از مسلمانان می‌آیند و با او بیعت می‌کنند، پس بر دجال می‌شورند، سپس همواره با او می‌جنگند تا آن گاه که عیسی بن مریم در میانشان فرود آید!

۷ . أَخْبَرَنَا أَبُو إِبْرَاهِيمَ السَّمَرَقَنْدِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّا كُنَّا نَزْعُمُ أَنَّ الدَّجَالَ رَجُلٌ حَتَّى أَخْبَرْتَنَا بِأَنَّهُ الْحَدَاثَةُ! قَالَ: إِنَّهُ رَجُلٌ! قُلْتُ: أَفَلَا أَخْبَرْتَنَا بِأَنَّهُ الْحَدَاثَةُ؟! قَالَ: إِنَّهُ رَأَيْسُهَا وَ قَائِدُهَا وَ إِنَّ الدَّجَالَ لَقَبٌ كَفَرَعُونَ يَتَوَارَثُهُ رِجَالٌ مِنْ آلِ إِبْلِيسَ! قُلْتُ: نَعُوذُ بِاللَّهِ! فَمَنْ هَذَا الدَّجَالُ الَّذِي يَقْتُلُهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ؟ قَالَ: هُوَ الدَّجَالُ الْأَكْبَرُ وَ هُوَ آخِرُ الدَّجَالِينَ!

ترجمه‌ی گفتار:

ابو ابراهیم سمرقندی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: ما گمان می‌کردیم که دجال یک انسان است تا آن گاه که ما را خبر دادی که او مدرنیته است! فرمود: او یک انسان است! گفتم:



آیا ما را خبر ندادی که او مدرنیته است؟! فرمود: او رئیس و رهبر آن است و هرآینه «دجال» لقبی مانند «فرعون» است که مردانی از آل ابلیس آن را از هم ارث می‌برند! گفتیم: پناه می‌بریم به خدا! پس این دجالی که عیسی بن مریم او را می‌کشد کیست؟ فرمود: او دجال اکبر است و او آخرین دجالان خواهد بود!

۸ . أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ دَاوُودَ الْفَيْضِ أَبِي دِي، قَالَ: سَمِعْتُ الْعَالِمَ يَقُولُ: إِنَّ الدَّجَالَ رَجُلٌ وَلَدَهُ إِبْلِيسُ وَ رَبَّاهُ وَ جَعَلَهُ فِي رَأْسِ الْهَرَمِ! قُلْتُ: وَ مَا الْهَرَمُ؟! قَالَ: نِظَامُ السُّلْطَةِ!

ترجمه‌ی گفتار:

علی بن داوود فیض آبادی ما را خبر داد، گفت: شنیدم عالم (یعنی منصور) می‌فرماید: دجال مردی است که ابلیس او را زاییده و پرورانده و در رأس هرم قرار داده است! گفتیم: هرم چیست؟ فرمود: نظام سلطه!

۹ . أَخْبَرَنَا عَيْسَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْجُوزْجَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: الدَّجَالُونَ ثَلَاثَةٌ: مِنْهُمْ مَنْ يَتَشَبَّهُ بِالرَّبِّ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ إِنَّهُ رَبٌّ وَ مَا هُوَ بِرَبٍّ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَتَشَبَّهُ بِالنَّبِيِّ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ إِنَّهُ نَبِيٌّ وَ مَا هُوَ بِنَبِيٍِّّ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَتَشَبَّهُ بِالْإِمَامِ حَتَّى يَقُولَ النَّاسُ إِنَّهُ إِمَامٌ وَ مَا هُوَ بِإِمَامٍ وَ هَذَا أَكْبَرُهُمْ! قُلْتُ: كَيْفَ صَارَ هَذَا أَكْبَرَهُمْ وَ هُوَ يَتَكَلَّفُ دُونَ الْإِثْنَيْنِ؟! قَالَ: لِأَنَّ فِتْنَتَهُ أَشَدُّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ!

ترجمه‌ی گفتار:

عیسی بن عبد الحمید جوزجانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: دجالان سه کسند: یکی از آنان کسی است که به پروردگار تشبّه می‌جوید تا جایی که مردم می‌گویند او پروردگار است، در حالی که پروردگار نیست و یکی از آنان کسی است که به پیامبر تشبّه می‌جوید تا جایی که مردم می‌گویند او پیامبر است، در حالی که پیامبر نیست و یکی از آنان کسی است که به امام تشبّه می‌جوید تا جایی که مردم می‌گویند او امام است، در حالی که امام نیست و این بزرگ‌ترین آنان است! گفتیم: چگونه این بزرگ‌ترین آنان شد در حالی که ادعایی کمتر از دو دیگر دارد؟! فرمود: برای اینکه فتنه‌اش بر مؤمنان شدیدتر است!

۱۰ . أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ الطُّهْرَانِيُّ، قَالَ: جَزَى اللَّهُ الْمَنْصُورَ خَيْرًا! مَا تَكَلَّمَ بِشَيْءٍ إِلَّا وَفَحَّ بَابًا مِنَ الْعِلْمِ أَوْ أَغْلَقَ بَابًا مِنَ الْجَهْلِ وَ إِنِّي سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَيْسَ الْإِمَامُ مَنْ يُسَمَّى إِمَامًا وَ لَكِنَّ الْإِمَامَ مَنْ يُقَلَّدُ وَ هُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِمَامَانِ: إِمَامٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَيَهْدِي بِأَمْرِ اللَّهِ وَ هُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ وَ إِمَامٌ مِنْ دُونِهِ وَ هُوَ خَلِيفَةُ الشَّيْطَانِ الدَّجَالُ! فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا بَنِي آدَمَ وَ لَا تَتَّخِذُوا الدَّجَالَ إِمَامًا!



ترجمه‌ی گفتار:

حسن بن قاسم طهرانی ما را خبر داد، گفت: خداوند به منصور پاداش نیک دهد! هیچ گاه به چیزی تکلم نکرد مگر اینکه بابی از علم را گشود یا بابی از جهل را بست و هرآینه من شنیدم که می‌فرماید: امام کسی نیست که امام نامیده می‌شود، بل امام کسی است که از او تقلید می‌شود و او در کتاب خداوند دو امام است: امامی که خداوند او را برای مردم امام قرار داده است، پس به امر خداوند رهبری می‌کند و او خلیفه‌ی خداوند مهدی است و امامی جز او و او خلیفه‌ی شیطان دجال است! پس از خداوند بترسید ای بنی آدم و دجال را امام نگیرید!

۱۱ . أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الطَّالِقَانِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: كُلُّ مَنْ تَسَلَّطَ عَلَى النَّاسِ بَعِيرٍ إِذْنِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ فَهُوَ دَجَالٌ وَإِنْ كَانَ ذَا عِلْمٍ وَ صِلَاحٍ! قُلْتُ: بِمَاذَا يُعْرَفُ إِذْنُ اللَّهِ؟ قَالَ: إِنَّمَا يُعْرَفُ إِذْنُ اللَّهِ بِآيَةِ بَيْنَةٍ أَوْ وَصِيَّةٍ ظَاهِرَةٍ! قُلْتُ: وَ مَا آيَةُ بَيْنَةٍ؟ قَالَ: آيَةٌ وَعَدَهَا نَبِيُّ أَوْ وَصِيُّ نَبِيِّ كَمَا قَالَ نَبِيُّ فِي طَالُوتَ: ﴿إِنَّ آيَةَ مَلِكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ! قُلْتُ: وَ مَا وَصِيَّةٌ ظَاهِرَةٌ؟ قَالَ: هِيَ أَنْ تَقْدِمَ مَدِينَةَ نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ فَتَسْأَلَ عَنْهَا الْعَامَّةَ وَ الصَّبِيَّانَ وَ الْعَجَائِزَ إِلَىٰ مَنْ أَوْصَىٰ فُلَانٌ؟ فَيَقُولُوا: إِلَىٰ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ! قُلْتُ: وَ اللَّهِ مَا أَبْقَيْتَ لِلدَّجَالِجَلَّةِ مَسْلَكًَا يَسْلُكُوهُ! قَالَ: أَنَا مَا أَبْقَيْتُ لَهُمْ؟! بَلِ اللَّهُ مَا أَبْقَىٰ لَهُمْ! أَرَادَ أَنْ يَسُدَّ خَلَّةَ فَعَلَّ! ثُمَّ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَىٰ شَمْسٍ دَاخِلَةٍ فِي الْبَيْتِ فَقَالَ: أَلَيْسَتْ هَذِهِ الشَّمْسُ بَيْنَةً؟ قُلْتُ: بَلَىٰ جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ أَيْبُنُ مِنْ هَذِهِ ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْنَةٍ﴾ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ!

ترجمه‌ی گفتار:

احمد بن عبد الرحمن طالقانی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: هر کس بدون اذن خداوند بر مردم سلطه یابد، سپس بگوید هر کس از من اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده و هر کس از من نافرمانی کند از خداوند نافرمانی کرده، او دجال است اگرچه دارای علم و صلاح باشد! گفتیم: اذن خداوند با چه چیزی شناخته می‌شود؟ فرمود: اذن خداوند تنها با آیتی بینه یا وصیتی ظاهره شناخته می‌شود! گفتیم: آیتی بینه چیست؟ فرمود: آیتی که پیامبر یا وصی پیامبری آن را وعده داده است، چنانکه پیامبری درباره‌ی طالوت فرمود: «هرآینه آیت حکومت او این است که تابوت را برای شما می‌آورد که در آن آرامشی از پروردگارتان و بازمانده‌ای از چیزی است که آل موسی و آل هارون بر جای نهاده‌اند و فرشتگان آن را حمل می‌کنند، هرآینه در آن برای شما



آیتی است اگر مؤمن باشید» (بقره / ۲۴۸)! گفتم: وصیتی ظاهره چیست؟ فرمود: آن این است که به شهر پیامبر یا وصی پیامبری داخل شوی پس در آن از عامه و کودکان و پیرزنان بپرسی که فلانی به چه کسی وصیت کرد؟ پس بگویند: به فلانی پسر فلانی! گفتم: به خدا سوگند برای دجالان هیچ راهی باقی نگذاشتی که از آن وارد شوند! فرمود: من برایشان باقی نگذاشتم؟! بلکه خداوند برایشان باقی نگذاشت! خواست که رخنه‌ای را ببندد پس بست! سپس با دست خود به آفتابی در خانه اشاره کرد و فرمود: آیا این آفتاب روشن نیست؟ گفتم: چرا، فدایت شوم! فرمود: هرآینه دین خداوند از این روشن‌تر است «تا هر کس که هلاک می‌شود در روشنی هلاک شود و هر کس که زنده می‌ماند در روشنی زنده بماند و هرآینه خداوند شنوایی داناست» (أنفال / ۴۲)!

۱۲ . أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبْزَوَارِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ! قُلْتُ: وَ مَا الْمَسِيحُ الدَّجَالُ؟ قَالَ: مَنْ يَدْعِي مَا يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ ثُمَّ يُقِيمُ عَلَيْهِ مُعْجَزَةً فَهُوَ الْمَسِيحُ الدَّجَالُ! قُلْتُ: لِمَاذَا يُسَلِّطُهُ اللَّهُ عَلَى إِقَامَةِ الْمُعْجَزَاتِ؟ قَالَ: لِيَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ قَالَ الرَّسُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ قَالَ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ قَالَ الْأَئِمَّةُ بَعْدِي أَتْنَا عَشْرَ إِمَامًا!

ترجمه‌ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: از فتنه‌ی مسیح دجال به خداوند پناه ببرید! گفتم: مسیح دجال کیست؟ فرمود: کسی که چیزی مخالف با کتاب خداوند را ادعا می‌کند و سپس برای آن معجزه‌ای اقامه می‌دارد او مسیح دجال است! گفتم: برای چه خداوند او را بر اقامه‌ی معجزات توانا می‌سازد؟! فرمود: برای اینکه بداند چه کسی از پیامبر پیروی می‌کند و چه کسی به پشت سرش بر می‌گردد و پیامبر فرمود: خدایی جز الله وجود ندارد و فرمود: پیامبری پس از من نیست و فرمود: امامان پس از من دوازده نفرند!

۱۳ . أَخْبَرَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ عَبْدِ الْقَيْوَمِ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الْعَبْدِ الصَّالِحِ وَ هُوَ فِي مَسْجِدٍ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ لِلنَّاسِ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِذَا أَتَاكُمْ آتٍ بِمَا أَتَى بِهِ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْ نَبِيٌّ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَوْ إِمَامٌ مِنْ بَعْدِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَا تُصَدِّقُوهُ فَإِنَّهُ الْمَسِيحُ الدَّجَالُ! أَلَا هَلْ بَيَّنْتُ؟! أَلَا هَلْ عَلَّمْتُ؟! ﴿أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾!

ترجمه‌ی گفتار:

عبد السلام بن عبد القیوم بلخی ما را خبر داد، گفت: بر بنده‌ی صالح (یعنی منصور) وارد شدم



در حالی که در مسجدی بود، پس شنیدم که به مردم می‌فرماید: ای مردم! هرگاه کسی با معجزات مسیح علیه السلام به نزد شما آمد، سپس گفت من خدایی جز الله هستم یا پیامبری پس از محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم یا امامی پس از مهدی علیه السلام هستم، او را تصدیق نکنید؛ چراکه او مسیح دجال است! هلا آیا تبیین کردم؟! هلا آیا تعلیم دادم؟! «مبادا در روز قیامت بگویند که ما از این بی‌خبر بودیم» (أعراف / ۱۷۲)!

۱۴ . أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الشَّيرَازِيُّ، قَالَ: قَامَ الْمَنْصُورُ فِينَا خَطِيبًا فَوَعظَنَا وَ أَحْسَنَ وَعَظَنَا حَتَّى اقشَعَرَّتِ الْجُلُودُ وَ رَجَفَتِ الْقُلُوبُ وَ بَكَتِ الْعُيُونُ وَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ! فَلَمَّا جَلَسَ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَمَدَحَهُ وَ قَالَ لَهُ فِي مَدْحِهِ: إِنَّكَ لَأَنْتَ إِلَهُ الْوَاعِظِينَ! فَغَضِبَ الْمَنْصُورُ غَضَبًا شَدِيدًا وَ قَالَ لَهُ: أَسْكُتْ - أَسْكُتَكَ اللَّهُ- فَإِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَمَا أَنَا فَمُعَلِّمٌ خَيْرٍ! فَقَالَ لَهُ الْمَدْحُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي مَا عَنَيْتُ مِنَ الْإِلَهِ مَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنَّهُ كَلِمَةٌ يَقُولُونَهَا بِالْسِنْتِهِمْ! فَقَالَ لَهُ: وَ هَلْ أَهْلَكَ النَّصَارَى إِلَّا كَلِمَةً يَقُولُونَهَا بِالْسِنْتِهِمْ؟! ﴿كَبِيرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا﴾! ثُمَّ التَفَّتْ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ قَالَ: إِعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ - يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ- فَإِنَّ الشَّيْطَانَ بَيِّضٌ وَ يُفْرَخُ! فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَلْ لَنَا أَنْ نُسَمِّيَكَ الْإِمَامَ كَمَا يُسَمِّي النَّاسُ قَادَتَهُمْ؟ قَالَ: لَا ذَاكَ اسْمٌ لَا يَتَسَمَّى بِهِ غَيْرُ الْمَهْدِيِّ إِلَّا دَجَالًا!

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن ابراهیم شیرازی ما را خبر داد، گفت: منصور در میان ما به خطبه‌ای برخاست، پس ما را اندرز داد و نیکو اندرز داد تا جایی که پوست‌ها لرزید و دل‌ها تکان خورد و چشم‌ها گریست و صداها بالا رفت! پس چون نشست مردی از یارانمان به سوی او برخاست و او را ستایش کرد و در ستایش او گفت: هرآینه تو خدای واعظانی! پس منصور سخت به خشم آمد و به او فرمود: ساکت شو که خداوند ساکتت کند؛ چراکه جز خداوند خدایی نیست و من تنها معلم خیری هستم! پس ستایشگر گفت: فدایت شوم، منظور من از خدا کسی که جز خداوند بلندمرتبه پرستش شود نبود، بل آن کلمه‌ای است که با زبان‌هاشان می‌گویند! پس به او فرمود: و آیا مسیحیان را جز کلمه‌ای که با زبان‌هاشان می‌گویند هلاک کرد؟! «کلمه‌ی بزرگی است که از دهان‌هاشان بیرون می‌آید، آنان جز دروغی نمی‌گویند» (کهف / ۵)؛ سپس به یاران خود روی نمود و فرمود: بدانید که چه می‌گویید - خداوند شما را بیمارزد-؛ چراکه شیطان تخم می‌گذارد و جوجه می‌کند! در این هنگام من گفتم: فدایت شوم، آیا ما می‌توانیم تو را امام بنامیم همان طور که مردم رهبرانشان را (امام) می‌نامند؟ فرمود: نه، این نامی است که جز مهدی کسی به آن نامیده نمی‌شود مگر دجال!



شرح گفتار:

به راستی این‌ها حکمت‌های بالغه‌ای است که چشم را روشن و دل را زنده می‌کند. خداوند را بر ظاهر ساختن این نور الهی سپاس می‌گزاریم که به وسیله‌ی او حق را آشکار کرد و باطل را رسوا ساخت و ما را از تاریکی‌های جهل و حیرت بیرون آورد و به روشنایی علم و بصیرت رهنمون شد و برای یاری خلیفه‌اش و تشکیل حکومتش در زمین برانگیخت. هر چند هم‌اینک فتنه‌ی دجالان جهان را تاریک نموده، ولی خداوند بندگان را در این تاریکی رها نکرده، بلکه برای هدایت‌شان چراغی را برافروخته و با این وصف، هر کس از آنان گمراه شود در روشنی گمراه شده و بر او حجتی نخواهد داشت. ما شهادت می‌دهیم - و شاهد بودن خداوند کافی است - که منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی دین را زنده کرده و مرزهایش را مشخص نموده و راه‌هایش را نشان داده و مقصدش را نمایان ساخته و سرپرستش را معرفی فرموده و برای کسی بهانه‌ای باقی نگذاشته است، هر چند بیشتر مردم در نمی‌یابند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا﴾ (اعراف / ۱۴۶)؛ «اگر راه رشد را ببینند آن را در پیش نمی‌گیرند و اگر راه گمراهی را ببینند آن را در پیش می‌گیرند»!

اما مراد از «مدرنیت» در گفتار آن جناب، نظام جدید حاکم بر جهان است که بر بنیاد انکار خداوند، عدم اعتقاد به آخرت، جدا ساختن دین از سیاست و اصالت دادن به انسان با رویکردی فردگرایانه و سودجویانه ساخته شده و در ازای بخشیدن آب‌نبات‌چوبی امکانات رفاهی، گنجینه‌ی فرهنگ، هنر و اخلاق را به یغما برده و در نظر دلدادگانش چونان الهه‌ای جلوه کرده و جایگزین خداوند شده است. همین نظام جدید جهانی با این مبانی «کفرآمیز» و کارکردهای «شیطانی» است که از «غرب» آمده و مردم را «مسحور خود» ساخته و برایشان «بهشت و دوزخ دروغین» فراهم آورده و خود را «پروردگار برتر آنان» شمرده و غرّه از پیشرفت‌های علمی و صنعتی خود به «معارضه با پروردگار در علم و قدرت او» برخاسته، در حالی که ساخته‌ی «شیطان» و موجودی «یک چشم» یعنی ناقص و یک بُعدی است و «دنیا را می‌بیند و آخرت را نمی‌بیند» و از این رو، «پیروان خود را به سوی آتشی سوزان رهنمون می‌شود»؛ همان «یهودیان، مسیحیان و مسلمانان سرسپرده‌ای» که منفعل از جلوه‌گری‌های ساحران‌هی او و با انگیزه‌ی «داخل شدن به بهشت و رهایی از دوزخش»، در برابر قواعد و اقتضاتش تسلیم می‌شوند و در خدمت توسعه و تحقق اهدافش قرار می‌گیرند و بدین سان او را به جای خداوند می‌پرستند.

بی‌گمان این «نظام سلطه» مصداق اکمل «دجال» است، ولی به تبع آن کسی که در رأس آن قرار گرفته و آشکارا یا پنهان مشغول مدیریت آن است هم «دجال» دانسته می‌شود؛ همچنانکه



هر کس بدون اذن خداوند در روشنائی «آیتی بیّنه» یا «وصیّتی ظاهره»، مردم را به اطاعت از خود فرا بخواند یا خود را پیامبری پس از محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم یا امامی پس از مهدی علیه السلام بداند، یکی از «دجالان» است.

ضمن توصیه به تدبّر درباره‌ی هر یک از حکمت‌های فوق برای درک نکات آشکار و پنهان آن‌ها، دعوت می‌کنیم که برای خواندن حکمت‌ها و اشارات دیگری از آن جناب در این باره، به کتاب شریف «بازگشت به اسلام» مبحث «آمیزش با ملل و فرهنگ‌های غیر اسلامی» (ص ۱۳۹) و مبحث «ممانعت دشمنان اسلام» (ص ۱۶۵) و نیز به گفتارهای ۱۰۴، ۶۲، ۶۰ و ۱۱ و برای خواندن توضیحاتی در این باره، به پرسش‌ها و پاسخ‌های ۲۶، ۳۷ و ۲۲۶ مراجعه کنید.

